

ساختار نظام‌مند مفاهیم اخلاقی در قرآن کریم

محمد جانی‌پور*

چکیده

هدف اصلی در نگارش این مقاله، مطالعه روشمند و تحلیلی گزاره‌های اخلاقی بیان‌شده در سوره‌های قرآن کریم است؛ به این منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا، نقش و جایگاه این گزاره‌ها در هدایت افراد و جامعه اسلامی به سمت کمال و سعادت تبیین می‌شود و یک مدل نظام اخلاقی بر اساس آن به دست می‌آید.

این پژوهش بر آن است که با استخراج گزاره‌های اخلاقی قرآن کریم، تجزیه و تحلیل آن‌ها و سپس طبقه‌بندی موضوعی، در نهایت، به تبیین مدل چگونگی هدایت افراد و جامعه اسلامی بپردازد. گزاره‌های اخلاقی بیان‌شده در سوره‌های قرآن کریم، در دو بُعد فردی و جمعی، به صورت همسان بیان خواهد شد و به منظور ساخت یک مدل و نظام ساختاری در حوزه اخلاق، چهار رکن اصلی یک نظام (اصول و مبانی نظری، الزامات، مقدمات و موانع) در این زمینه تبیین می‌شود.

در این مقاله سوره «اسراء» نمونه‌ای است که با روش تحلیل محتوا به مطالعه آن می‌پردازیم. نتایج به دست آمده از این پژوهش، بیانگر آن است که گزاره‌های فردی در دو حوزه فضیلت و رذیلت ۴۷٪ و گزاره‌های جمعی بیان‌شده در این سوره نیز در چهار حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد، ۵۳٪ از مجموع گزاره‌های این سوره را تشکیل می‌دهد. مدلی که در پایان ذکر می‌شود، همه جنبه‌ها و جهات یک نظام اخلاقی در سطح فردی و جمعی را تبیین می‌کند.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع).

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نظام اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی، تحلیل محتوا.

مقدمه

مطالعه علم اخلاق بر مبنای شیوه‌های معمول، دچار نوعی از رکود معنایی یا ایستایی تأثیرگذاری و اثربخشی شده است. این رکود بیش از آن‌که از بودن یا نبودن منابع و متون اخلاقی متأثر باشد، از شیوه‌هایی ناشی می‌شود که به پارادایم غالب در مطالعه منابع و متون اخلاقی تبدیل شده‌اند.

این معضل، متون قرآنی را - که منبع اصلی علم اخلاق اسلامی می‌باشد - وارد حوزه‌هایی از مطالعات موضوعی کرده است که اگرچه مفید و قابل توجه می‌باشد، پرسش‌های اساسی درباره نقش و کارکرد هدایتگر مفاهیم اخلاقی آیات قرآن را بی‌پاسخ گذاشته است.

در این پژوهش به بررسی و تبیین مفهوم اخلاق اسلامی و تثبیت نقش و جایگاه آن در تحقق کمال فردی و جمعی جامعه بشری می‌پردازیم. به عبارت دیگر، این تحقیق در پی آن است که با استخراج گزاره‌های اخلاقی مطرح در آیات شریف قرآن کریم و بررسی و طبقه‌بندی آن‌ها، به این مسأله اصلی پاسخ دهد که گزاره‌های اخلاقی در یک سوره قرآن، چه قابلیت و کارکردی برای ساخت یک نظام اخلاقی در تعالی و رشد افراد و جامعه بشری دارند؟

سوره «إسراء» یکی از سوره‌های مهم و مطرح قرآن در حوزه گزاره‌های اخلاقی است و به عنوان نمونه مطالعه و جامعه آماری، انتخاب شده است و آیات آن، از این منظر بررسی شده‌اند. همچنین ویژگی خاص این مقاله، استفاده از روش «تحلیل محتوا» با دو تکنیک کمی و کیفی برای استخراج گزاره‌های اخلاقی و طبقه‌بندی آن‌ها است.

ابتدا تعریف اخلاق و علم اخلاق از منظر عالمان دینی بیان شده است. سپس با تبیین روش تحقیق و تکنیک‌های استفاده شده، به تحلیل محتوای مفاهیم اخلاقی این سوره

پرداخته‌ایم و در نهایت کوشیده‌ایم که مدل‌های کلی و ساختاری این گزاره‌ها را با دو رویکرد فردی و جمعی، استخراج کنیم.

مفهوم شناسی

اخلاق

واژه «اخلاق» بر وزن «أفعال»، کلمه‌ای عربی و جمع واژه «خُلُق» است که به ویژگی‌های نفس انسان گفته می‌شود. برخی نیز معتقدند اخلاق، جمع مکسر «خُلُق» به معنی نرمی و صافی و یا «خَلَقَ» به معنی اندازه، هیأت و شکل می‌باشد (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۱۶).

دو لفظ خُلُق و خَلَق، غالباً به معنای دوم یعنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته‌اند و معنای اول را چندان استعمالی نیست. مثلاً آیه شریف «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره/ ۲۹) [او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد برای شما آفرید] را در نظر بگیرید. در این جا اصل کلمه «خَلَقَ» به معنای تقدیر می‌باشد.

اخلاق از ریشه «خُلُق» به معنای نصیب و بهره مشخص نیز هست. در نتیجه، شخص با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضایل یا رذایل اخلاقی دارد؛ زیرا فضایل یا رذایل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه‌ای نفسانی در انسان ایجاد می‌کنند (فتحعلی خانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳).

خُلُق در واقع ملکه‌ای نفسانی است که باعث می‌شود افعال خاصی از انسان به سادگی و بدون نیاز به فکر و تأمل، صادر شود. خُلُق نیکو یعنی صفات نفسانی پایدار و نیکو؛ و خُلُق بد یعنی صفات نفسانی پایدار و بد؛ خُلُق نیکو را فضیلت و خُلُق بد را رذیلت نامیده‌اند. فضایل موجب کمال انسان و نیکی دنیا و آخرت او می‌شود و رذایل، انسان را از کمال واقعی دور می‌کنند و دنیا و آخرت او را تباه می‌سازند (فتحعلی خانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۰).

برخی از لغت‌شناسان نیز معتقدند خَلق و خُلُق هر دو به یک معنا هستند؛ اما خَلق به هیأت‌ها و شکل‌ها و صورت‌هایی اختصاص یافته که با چشم قابل دیدن است و خُلُق به خوی و سجایایی گفته می‌شود که با بصیرت و دیده‌دل درک می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۹).

در واقع جداکننده تعبیر خَلق از خُلُق، ابو حامد محمد غزالی بوده است که به اعتقاد وی خَلق، قابل تغییر نیست اما خُلُق را می‌توان تغییر داد؛ این تغییر، هم در اعتقادات، هم در اخلاقیات و هم در اعمال، ممکن است (غزالی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۵۲). البته اولین بار خطوط اصلی این مطالب را فارابی، ابن سینا و ابن مسکویه بیان کرده‌اند و سپس غزالی شارح آن بوده است. شاهد مثال مدعای غزالی این که برخی آیات قرآن، به صورت روشن، گذشته از این که مصداق تغییر را گوشزد می‌کنند، به صراحت تغییر اخلاق انسان را هم یادآور می‌شوند.

علم اخلاق

«علم اخلاق» از جمله دیرینه‌ترین دانش‌های بشری است؛ چراکه از دیرباز، از دغدغه‌های بشر بوده است و در کهن‌ترین متونی که از فرهنگ‌های مختلف بر جای مانده نیز با آموزه‌های اخلاقی مواجه می‌شویم. توصیه‌ها و دستورات فراوانی که از حکما و فرزندان دربار رفتارهای درست و نادرست، و خصلت‌های خوب و بد رسیده، همه گویای سابقه دیرپای این دانش است.

در تعریف اصطلاحی علم اخلاق نیز عبارات علما مختلف است و هر کدام را عبارتی خاص، اما با اندک تأملی درمی‌یابیم که در واقع، همه حقیقت واحدی از مفهوم اخلاق را در نظر داشته‌اند، لکن در اظهار و بیان این حقیقت، آن را به الفاظ و تعبیر مختلفی بیان کرده‌اند و از این رو اختلافاتی لفظی در این حوزه پیش آمده است. در این جا پاره‌ای از آنچه علمای اخلاق در تعریف آن بیان داشته‌اند، ذکر می‌کنیم تا در نهایت، به مفهوم و حقیقت واحدی که همه تعاریف بدان اشاره دارد، دست یابیم.

ابوعلی مسکویه که از عالمان پیشگام و قدیمی است، در تعریف علم اخلاق، چنین می‌گوید: «خُلُق همان حالتی است که برای نفس انسانی حاصل می‌گردد که نفس را به جانب افعال آن و بدون تفکر و تأمل، به سوی کارهایی تحریک و فرا می‌خواند» (ابن مسکویه، ۱۴۱۵ق، ص ۵۱). وی در کتاب خویش، «تهذیب الاخلاق»، قول غزالی را از کتاب «احیاء العلوم» نقل کرده، بر این مطلب تأکید دارد که «آن هیأت نفسانی و حالت راسخه‌ای که خُلُق نامیده می‌شود، اگر کانون افعال نیکو باشد، آن را «خُلُق حَسَن» و اگر مصدر اعمال زشت باشد، آن را «خُلُق قبیح» می‌نامند» (ابن مسکویه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵).

در واقع، تفاوت تعریف غزالی با تعریف یادشده از ابن مسکویه، در کلمه هیأت راسخه است؛ بنابر این نظر تا صفتی آن حالت راسخ را در نفس انسان پیدا نکند، آن صفت به آن شخص اطلاق نمی‌شود و همچنین افعال خوب و بد از انسان به راحتی صادر نمی‌شود (غزالی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۵۲).

دکتر محمدباقر حجّتی در کتاب «روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی»، این امر را از مفاهیم اخلاقی نمی‌داند، بلکه از اوامر یا ارکان تعریف غزالی می‌داند. به اعتقاد وی: «این توجیه اخلاق از نظر غزالی صرفاً عبارت از عمل یا مجرد رفتار نیست و سخنی نسبتاً کامل است» (عبدالکریم، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳۱).

خواجه نصیرالدین طوسی^{رحمه‌الله} نیز در کتاب خویش، «اخلاق ناصری»، همچون ابن مسکویه مشی نموده، می‌نویسد: «خُلُق ملکه‌ای نفسانی است که باعث صدور افعال بدون فکر و تأمل است؛ و در حکمت نظری روشن شده است که از کیفیات، آنچه به سرعت از بین می‌رود، آن را حال خوانند و آنچه زوال آن به کندی باشد، آن را ملکه گویند. پس ملکه کیفیتی بود از کیفیات نفسانی و این ماهیت خُلُق است» (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۱).

مولی محسن فیض کاشانی^{رحمه‌الله}، صاحب کتاب «محجة البیضاء» نیز علم اخلاق را علمی می‌داند که به کمک آن از حالات مختلف قلب اطلاع می‌یابیم که بعضی از آن‌ها

پسندیده است مانند صبر، شکر، اخلاص؛ و بعضی دیگر مذموم و قبیح است، مانند حسد و خیانت. (فیض کاشانی، بی تا، ص ۳۱).

ملاصدرا نیز در تعریف علم اخلاق، حکمت عملی و اخلاق را اعم می‌داند و در این صورت، بخشی از آن را به رفتار آدمی مربوط می‌داند. به اعتقاد وی، منظور از حکمت عملی، نفس خوبی یا علم به خوبی و گاه رفتاری است که از خوبی برمی‌خیزد. به عبارت دیگر، ملاصدرا حکمت عملی را که در برابر حکمت نظری قرار دارد، علم به خوبی و آنچه از آن برمی‌خیزد، می‌داند و در این جا رفتار برخاسته از خوبی، جزو حکمت عملی محسوب می‌شود (شیرازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۶).

معیار گزاره‌های اخلاقی

به صورت فطری برای همه افراد جامعه بشری، اصل این مطلب که پاره‌ای از رفتارها خوب و حسن هستند و پاره‌ای بد و قبیح، قابل درک و فهم است. در مصادیق این رفتارها اختلاف نظر است، به گونه‌ای که حتی در فرهنگ‌های مختلف، رفتارهای خوب و بد جای خود را به یکدیگر می‌دهند؛ اما همچنان اصل وجود رفتارهای خوب و بد در همه فرهنگ‌ها وجود دارد. در واقع، خوب و بد در جوامع بشری به معانی متفاوتی به کار می‌رود که یکی از آن‌ها خوب و بد «اخلاقی» است (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

به گفته جی.جی. وارنوک «وقتی فلاسفه اخلاق از اصول اخلاقی، حکم اخلاقی و به طور کلی گفتار اخلاقی، صحبت به میان می‌آورند، درباره چه بحث می‌کنند؟ مراد از اخلاقی چیست؟ تا به این مسائل پاسخ داده نشود، فلاسفه اخلاق نمی‌توانند بدانند که درباره چه چیزی بحث می‌کنند یا لااقل نمی‌توانند مطمئن باشند که همه صحبت از یک مطلب دارند» (وارنوک، ۱۳۶۸، ص ۶۸).

وی با طرح نظریات مختلف درباره معیار ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و نقد آن‌ها، بیان می‌کند که می‌توان چهار عامل را معیارهای تمیز اخلاقی بودن یا نبودن گفتار و رفتاری دانست. وی در این زمینه می‌نویسد: «صفت ممیزه یک نظر اخلاقی، در احساسی نهفته است که شخص نسبت به نظر اتخاذشده دارد. بر طبق این نظر، انسان به یک معنا ملزم

است در جهت خاصی عمل کند که این الزام ناشی از فشار یا مجازات خارجی نیست، بلکه ناشی از احساس خطاکاری و گناه و نیز ملامت خویشتن است که انجام ندادن فعل در بر دارد. اصول و معیارهای اخلاقی هر فرد باید در حقیقت همان‌هایی شناخته شوند که بر اعمال وی در طول زندگی حاکمند. همچنین اصول اخلاقی یک فرد، صرفاً آن‌هایی هستند که وی برای همه یکسان تجویز می‌کند» (وارنوک، ۱۳۶۸، ص ۶۹).

با این حال وجدان فطری انسان‌ها، مفهوم خوب و بد را به روشنی و با تمایز قلمرو، درک می‌کند اگرچه نتواند تعریف روشنی از آن‌ها به دست دهد (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۳۴). شهید مطهری می‌نویسد: «اخلاق از مقوله پرستش است؛ همان‌طور که انسان گرایش فطری و ناآگاهانه به خدا دارد، به حسب فطرت نیز کارهای اخلاقی را شریف و شرافتمندانه می‌داند؛ حتی اگر با منطق طبیعی و عقل عملی او سازگار نباشد، اما حس می‌کند که با انجام آن‌ها خودش را بزرگوار می‌کند. این عمل در ابتدا ممکن است ناآگاهانه باشد و زمانی که شعور ناآگاهش تبدیل به شعور آگاه شود که پیغمبران برای همین آمده‌اند، آن وقت دیگر تمام کارهای انسان، اخلاقی می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶).

الزامات اخلاقی

قرآن کریم منبع اصلی تبیین علم اخلاق است و برای دستیابی به اهداف خود مانند استواری نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره‌ای از امور را به گونه بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام نموده است و تمام کسانی که بالغ و عاقل هستند، موظفند این اوامر و نواهی را رعایت کنند. این الزام، در باطن خود با بسیاری از تکالیف و رفتار آدمی مانند مسؤولیت، پاداش، عقاب و ... رابطه دارد.

هر مذهب اخلاقی که شایستگی بهره‌مندی از نام اخلاق را داشته باشد، بر «عنصر الزام» بنیاد نهاده شده است. از این رو الزام، قاعده‌ای اساسی و عنصری مرکزی است که نظام اخلاقی با عناصر ساخت‌واره‌ای آن، بر گرد آن چرخیده؛ و نبود و ناپیدایی آن به منزله اضمحلال جوهر حکمت عملی است (دراز، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱).

بی تردید این الزام و اجبار از جایی اعتبار و ارزش یافته است. برخی از اندیشمندان، معتقدند عقل و مدرکات آن سرچشمه این الزامات می‌باشند و بر این باورند که مفاهیم اخلاقی از خصوصیت ویژه‌ای در نهاد گزاره‌های اخلاقی حکایت می‌کند که عقل آن را دریافته، به الزام آن حکم می‌کند. مثلاً شیخ ندیم الجسر، اندیشمند مصری، در کتاب خود می‌نویسد: «از بدیهیات است که الزام به کمک عقل در محیط اخلاق وارد می‌شود. عقل، استوانه الزام و نخستین راه آن است. خداوند در قرآن به روشنی بیان کرده که انسان را آفریده است تا او را عبادت کند و مورد آزمون قرار دهد. اجباری در دین نیست و اوامر و نواهی را در جهت راهنمایی انسان بیان کرده است. از این رو، اکتفای عقل به درستی قضایای عقلی و مبادی و احکام، نخستین نوع از انواع الزام است» (ندیم الجسر، ۲۰۰۴، ص ۱۰۲).

در نقد این نظریه باید گفت که عقل به تنهایی قادر به ایجاد الزام در امور اخلاقی نیست و نیازمند شرع و وحی الاهی می‌باشد؛ چراکه وحی از یک سو، عقل را تأیید کرده است و از سوی دیگر، آن را در بستری از رهنمودهای ارزشی قرار می‌دهد تا در احکام خویش چشم بسته، مغلوب هوای نفس نباشد. امام زین العابدین (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يَصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرْءَاءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقْيَاسِ الْفَاسِدَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۲) [با عقل‌های ناقص و نظرهای باطل و قیاس‌های فاسد نمی‌توان به دین خدا رسید].

از طرف دیگر، خداوند در ضمیر آدمی نیرویی به نام وجدان آفریده که تمامی تکالیف آدمی را از درون به وی می‌نمایاند. علامه طباطبائی (رحمه الله) در تفسیر آیه شریف «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (انبیا / ۷۳) می‌نویسد: «خداوند فرموده است: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾، در این صورت تکلیف به فعل خیر، تکلیف تشریعی خواهد بود، بلکه فرموده است «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» بدین معنا که انجام خیر را به قلب مردمان الهام کرده‌ایم تا ایشان در آن‌جا از قلب خود دستور گیرند» (طباطبائی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۴، ص ۳۳۳).

به نظر می‌رسد نمی‌توان وجدان را منبع و سرچشمه‌ای مستقل در نظر گرفت مگر آن‌که تنها قلمرو آن را به خلیات طبیعی و ذاتی محدود بدانیم؛ چراکه امام صادق علیه السلام در تقسیم‌بندی اخلاق به دو دسته طبیعی و اکتسابی می‌فرماید: «الْخُلُقُ مَنَحَةٌ يُمْنَحُهَا اللَّهُ مَنْ شَاءَ مِنْ خَلْقِهِ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَ مِنْهُ بَنِيَّةٌ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ صَاحِبُ النَّيَّةِ أَفْضَلُ فَإِنَّ صَاحِبَ السَّجِيَّةِ هُوَ الْمَجْبُورُ عَلَى الْأَمْرِ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَ صَاحِبُ النَّيَّةِ هُوَ الَّذِي يَتَصَبَّرُ عَلَى الطَّاعَةِ فَيُضْبِرُ فَهَذَا أَفْضَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۱)؛ [اخلاق، ارمغان خداوند به آفریدگان است، برخی از مردم اخلاقیات ذاتی است و برخی اکتسابی. راوی از امام پرسید کدام بهتر است؟ حضرت فرمود: اکتسابی؛ زیرا که دارنده اخلاق ذاتی، ناگزیر است و رفتاری که از او ناگزیر است و رفتاری که از او ظاهر می‌گردد، ناخواسته است و غیر از آن نمی‌تواند باشد؛ اما دارنده اخلاق اکتسابی خود را برای فرمان‌برداری وادار می‌کند بنابراین دومی دارای فضیلت بیش‌تری است].

در همین زمینه اکثر اندیشمندان معتقدند سرچشمه الزامات اخلاقی، اوامر الهی است که از طریق وحی به بشریت منتقل شده است و در زمان حاضر، دین مبین اسلام به مثابه یک دین جامع و کامل، و قرآن کریم بیانگر این الزامات می‌باشد. قوانین دین اسلام از اراده لایزال الهی ناشی می‌شود و خداوند نیز خالق انسان و طبیعت و آگاه از تمام نیازهای بشر است؛ بنابراین تنها احکام نورانی این دین می‌تواند منطبق با عقل، وجدان و نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد.

رابطه دین و اخلاق

بین دین و اخلاق، رابطه مستحکمی وجود دارد؛ زیرا نظام اخلاق دینی، و حیانی است و در کنار اصول اعتقادات و احکام و قوانین فقهی، بر اساس مصالح و مفاسد نفس‌الامری وضع گردیده است. بر این اساس، احکام اخلاقی از احکام دین شمرده شده است و در متن آن قرار دارد و به همین دلیل دین در اخلاق، کارکردهای فراوان دارد. «پشتوانه بودن برای اخلاق»، «ضامن اجرایی بودن برای آموزه‌های اخلاقی»، «خاستگاه بودن برای الزام»، «تأمین مفاهیم اصلی و فرعی»، «تأمین مفاهیم مبتنی بر

فطرت و گرایش‌های عاطفی و غریزی»، «توجه به حُسن فاعلی»، «تبیین و تعلیل ردایل و فضایل»، «روش‌های تربیت اخلاقی»، «منشأ بودن برای ارزش‌های اخلاقی» و «منبع بودن در استنباط احکام اخلاقی» برخی از کارکردهای دین در نظام‌های اخلاقی می‌باشند (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۵۶-۵۰).

هر یک از اجزای آفرینش را که با دقت مطالعه کنیم، درمی‌یابیم که در هستی خود، هدف و غایتی دارد که از نخستین روز آفرینش به سوی آن حرکت می‌کند. همچنین در ساختمان خود، تجهیزاتی دارد که مناسب با آن هدف بوده، سعادت و کمال او نیز رسیدن به همان هدف و غایت است. انسان نیز همانند سایر انواع آفرینش، هدفی دارد که در بر دارنده سعادت اوست و متناسب با تجهیزات وجودی خود به سوی آن در حرکت است و از آن‌جا که خداوند تنها خالق و آفریننده جهان هستی است، او را به سوی هدف هدایت می‌کند و مهم‌ترین و ریشه‌دارترین قوانین و مقررات را که به کار بستن آن‌ها سعادت وی را تضمین می‌کند، از طریق وحی و رسولان به انسان گوشزد می‌کند. قرآن کریم در آیات فراوانی این مطلب را بیان نموده است؛ مواردی از این آیات را ذکر می‌کنیم:

«قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰)؛ [گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده، داده و سپس هدایت کرده است].

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ (اعلی / ۲ و ۳)؛ [همان خداوندی که آفرید و منظم کرد و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود].

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (شمس / ۷-۱۰)؛ [و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است].

در نتیجه خداوند سبحان هر یک از آفریده‌های خود، از جمله انسان را به سوی سعادت و هدف آفرینش راهنمایی می‌فرماید و مقررات و قوانینی را که انسان باید در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار بندد، برای او جعل کرده است و انسان با اراده و اختیار خویش آن الزامات اخلاقی را برای رسیدن به سعادت انجام می‌دهد. به همین دلیل بر هر اندیشمندی لازم است که برای استخراج مبانی، اصول، الزامات و گزاره‌های اخلاقی، به قرآن کریم مراجعه کرده، از این سرچشمه، کسب فیض کند.

روش تحقیق

یکی از روش‌های مناسب در تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، استفاده از روش «تحلیل محتوا» است. این روش^۱ با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام را بیان و چهارچوب حاکم بر آن‌ها را کشف می‌کند. تحلیل محتوا در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثال آن‌ها، بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

در حقیقت، تحلیل محتوا در متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ از این‌رو، تحلیل محتوا در کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند، به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که از متن منتقل می‌شود، می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ بنابراین با تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها، به صورتی نظام‌مند است و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند؛ در نتیجه آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری است.

لا سول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این پرسش قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

به منظور انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره آن بحث شده است، بر اساس فن تحلیل محتوای مضمونی و بر مبنای واحد آیات و به صورت کمی و کیفی، جداول تحلیل محتوا تشکیل می‌شود و سپس مفاهیم، جهت‌گیری‌ها و نقش هدایتی هر کدام از آیات، استخراج شده است.

به عبارت دیگر، ابتدا با نگاه تفسیری به هر آیه، گزاره‌های اخلاقی تشکیل‌دهنده مضامین و جهت‌گیری‌های هر آیه استخراج شده و سپس نقش هدایتی هر کدام درج گردیده است. این یادآوری لازم است که برای استخراج گزاره‌های اخلاقی این آیات اکثر تفاسیر موجود بررسی شده‌اند که در نمونه‌های بیان‌شده، منابع آن درج گردیده است. نهایت این که فرایند روش انجام این تحقیق به این شرح می‌باشد:

استخراج آیات اخلاقی بر اساس مطالعه تفاسیر معاصر؛

استخراج مفاهیم و مضامین اخلاقی ذکر شده در تفاسیر و ثبت در جدول تحلیل

محتوا؛

کشف جهت‌گیری اصلی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت شده؛

یافتن ارتباط میان مفاهیم اخلاقی برای یافتن نقاط تمرکز آن‌ها؛

کشف نقش هدایتی هر کدام از مفاهیم اخلاقی ثبت شده؛

مقوله‌بندی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مشترک آیات؛ و

مدل‌سازی و بیان نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای کشف نظام اخلاقی است. در حقیقت یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، ظاهر و باطن داشتن آن است که تا چندین لایه درونی، ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر آیات قرآن، «تحلیل محتوای کیفی»

کلام باشد. همچنین این روش، این قابلیت را نیز دارد که مفاهیم به دست آمده را بسط ساختاری دهد و طبقه‌بندی کند و در قالب جدول، نمودار و مدل عرضه کند. این مطلب در فضای رشته‌های حوزه علوم انسانی و به ویژه در الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجهند، بسیار اثرگذار است.

تحلیل محتوای آیات اخلاقی سوره اسراء

پیش از ذکر نتایج برآمده از تحلیل محتوای آیات اخلاقی قرآن کریم، ذکر این نکته لازم است که در این مقاله به دلیل رعایت اختصار و محدودیت کلام، تنها به ذکر گزاره‌های اخلاقی استخراج شده از آیات «سوره اسراء» اکتفا شده و به عنوان نمونه تنها جداول تحلیل محتوای آیات این سوره، درج شده است. در ادامه ابتدا اندکی با آنچه مفسران در زمینه غرض اصلی سوره اسراء و ماهیت کلی آیات آن گفته‌اند، آشنا می‌شویم و سپس به برخی از گزاره‌های اخلاقی استخراج شده از آیات این سوره، اشاره می‌شود.

آشنایی با سوره اسراء

علت انتخاب این سوره برای این پژوهش، آن است که این سوره دارای پیام‌ها و موضوعات گوناگونی از قبیل توحید، معاد، سنت‌های الهی، قوانین اجتماعی و فردی در تاریخ، جایگاه پیامبر ﷺ و مسائل اخلاقی است که در این میان، مباحث اخلاقی بخش معتناهی از مفاهیم و مفاد آن را تشکیل می‌دهد. این نکته باعث شده است تا برخی از مفسران این سوره را از جمله سوره‌های اخلاقی قرآن می‌نامند؛ چراکه از مجموع مفاهیمی که آیات این سوره بیان می‌کند، می‌توان نسخه کاملی از مباحث بنیادی اخلاق را استخراج کرد.

علامه طباطبائی رحمته الله معتقد است این سوره، هدفی را دنبال می‌کند: تسبیح خدای تعالی. بنابراین این مطلب را با اشاره به داستان معراج رسول خدا ﷺ شروع نموده و متذکر شده است. آن گاه کلام را به مناسبت، به مقدرات بنی اسرائیل کشانده است؛ از عزت و ذلت آنان سخن می‌گوید و این که خداوند در هر روزگاری که او را اطاعت می‌کردند،

سربلندشان می‌کرد و هر وقت که از در عصیان در می‌آمدند، ذلیل و خوارشان می‌ساخت. علامه درباره کیفیت نزول کتاب بر آنان و دعوت آنان به توحید و نفی شرک نیز توضیح داده است.

سپس به همین مناسبت، کلام را به وضع مسلمانان و اعراب معطوف می‌سازد که خدا بر این امت نیز کتاب نازل کرده است؛ پس اگر اطاعت کنند، اجر می‌برند و اگر عصیان بورزند، عقاب می‌شوند و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می‌کنند و به طور کلی، با هر انسانی بر اساس عملش معامله می‌شود و سنت الاهی در امت‌های گذشته نیز بر همین منوال بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۵).

در نظر صاحب کتاب تفسیر «حسن الحدیث»، نیز غرض سوره اثبات پاکی و سبوحیت خدا از راه نظام اتم و اکمل جهان است؛ چنان‌که نظام خلقت، آفرینش انسان، ارسال پیامبران، ساری بودن جریان عدالت در تمام شؤون عالم و کرامت فطرت انسان‌ها، همه از پاکی و قدرت و علم کامل خداوند حکایت دارد. به عبارت دیگر، فشرده و خلاصه مطالب این سوره، طرح مسئله توحید و نفوذ قدرت خداوند در اداره جهان و نداشتن شریک است که لفظ «سبحان» از این تنزیه و پاکی و بی‌نیازی خدا و شریک نداشتن او حکایت می‌کند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵).

به طور کلی می‌توان گفت که آیات این سوره بر محور این امور است:

دلایل اثبات نبوت، مخصوصاً قرآن و معراج؛

مسائل مربوط به معاد، کیفر، پاداش، نامه اعمال و نتایج آن؛

اشاره به تاریخ پر ماجرای بنی اسرائیل؛

مسئله آزادی اراده و اختیار و این‌که هر گونه عمل نیک و بد، نتیجه‌اش به خود

انسان باز می‌گردد؛

مسئله حساب و کتاب در زندگی این جهان که نمونه‌ای است از زندگی جهان دیگر؛

حق‌شناسی در همه سطوح، مخصوصاً درباره خویشاوندان و پدر و مادر؛

تحریم اسراف و تبذیر، بخل، فرزندکشی، زنا، خوردن مال یتیمان، کم‌فروشی، تکبر و خونریزی؛

مسائل مربوط به توحید و خداشناسی؛

مبارزه با هر گونه لجاجت در برابر حق و این‌که گناه میان انسان و حق، پرده می‌افکند؛

بیان ویژگی‌های شخصیت انسان و فضیلت و برتری او بر سایر مخلوقات؛

تاثیر قرآن در درمان هر گونه بیماری اخلاقی و اجتماعی؛

اعجاز قرآن و عدم توانایی مقابله با آن؛

بیان وسوسه‌های شیطان و هشدار به همه مؤمنان برای انسداد راه‌های نفوذ شیطان؛

بیان بخشی از تعلیمات مختلف اخلاقی؛

و سرانجام، فرازهایی از تاریخ پیامبران به عنوان درس عبرتی برای همه انسان‌ها

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۶).

سید قطب که یکی از مفسران معاصر می‌باشد درباره این سوره، نظریه «شخصیت محوری» را طرح می‌کند و معتقد است محوری که سایر جملات سوره بدان قوام می‌یابند و حرکتی که در سوره جریان دارد و مطلع سوره - که آن را جامع کل پیام و سیاق در سوره می‌داند - در اصل پیامبر اکرم ﷺ، معجزه ایشان و دستورات آن است و به همین مناسبت، در سوره به موضوع هدایت و گمراهی فردی و اجتماعی افراد جامعه پرداخته است (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲۰۸).

سید قطب معتقد است موضوعات متعدد بیان‌شده در سوره اسراء، هر کدام به نوعی به موضوع هدایت و گمراهی فردی و اجتماعی افراد جامعه اشاره دارند و دستورات و راهکارهایی را در این زمینه بیان کرده‌اند.

علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر شریف «المیزان»، این آیات شریف را از جمله آیات

برجسته این سوره می‌داند:

﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَؤُلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ (اسراء / ۲۰)؛ هر یک از طایفه مؤمن و غیرمؤمن را از عطای پروردگارت مدد می‌رسانیم و عطای پروردگار تو ممنوع نیست.

﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا﴾ (اسراء / ۵۸)؛ و هیچ قریه‌ای نیست مگر آن‌که ما هلاک‌کننده آن‌یم.

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...﴾ (اسراء / ۱۱۰)؛ بگو چه خدا را بخوانید و چه رحمان را، به هر نامی که بخوانید، برای او است اسمای حسنی.

همچنین وجود آیه «عزّت» در این سوره، از دیگر نکات برجسته آن است و آن آخرین آیه سوره می‌باشد که پیامبر اکرم ﷺ آن را «آیه العزّ» نامیده‌اند (حنبل، ۱۹۹۳م، صص ۳۹-۴۰؛ قرطبی، ۴۰۵ق، ص ۴۵).

از دیگر آیات برجسته، وجود آیه «تحدی» در این سوره است که گفته می‌شود «تحدی خاص» است؛ چراکه خداوند در هیچ سوره‌ای این گونه جماعت جن و انس را به مبارزه نطلبیده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۱۶).

به عبارت دیگر، از جمله مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های بارز این سوره، جامع بودن آن در بیان گزاره‌های اخلاقی است که به نظر می‌رسد برای ارتقای بشر در زمینه دست‌یابی به مکارم اخلاقی نازل شده است. از این رو، ظاهراً به دلیل حجم گسترده مفاهیم اخلاقی این سوره و لزوم بازبینی مجدد آرای مفسران درباره دسته‌بندی و تقسیم گزاره‌های اخلاقی بیان شده، همچنان عرصه برای ورود به این حوزه و نگاهی مجدد به آنچه بر اساس دانش اخلاق نوین مطرح است، باز باشد.

شیو استخراج مفاهیم اخلاقی سور اسراء

برای استخراج مفاهیم و موضوعات اخلاقی این سوره، ابتدا تفاسیر این سوره مطالعه شد که در آن، همه آیات حاوی گزاره‌های اخلاقی مشخص شده است. آن‌گاه جهت‌گیری، نقطه تمرکز و نقش هدایتی آن‌ها در قالب جدول تحلیل محتوا بیان شده است.

در این بخش تنها سه نمونه از آیات این سوره به همراه مفاهیم اخلاقی استخراج شده از آن‌ها، درج می‌شود و از شرح و تفصیل دیگر آیات، به سبب طولانی شدن مقاله، خودداری کرده، تنها به ذکر آن‌ها در جدول تحلیل محتوا می‌پردازیم.

الف. ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْ وَ أُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَبَرَّؤُا مَا عَصَوْا تَثْبِيرًا﴾ (اسراء / ۷).

اصل تأثیر تلاش انسان در وصول به اهداف، احسان و تأکید بر عناصر آزادی و اختیار، از جمله اصول و موضوعات اخلاقی است که این آیه ناظر به آن‌ها است. چنان‌که در دیگر آیات قرآن کریم نیز به صورت متعدد و پراکنده، این اصول بیان شده است. مثلاً موضوع احسان و نیکوکاری، یکی از موارد اخلاق پسندیده اسلامی است که بیش از سی و پنج بار خداوند متعال در قرآن، مؤمنان را به آن فرمان داده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۷).

انسان باید بداند تلاش‌های او در رسیدن وی به اهداف و خواسته‌هایش نقش اساسی دارد و نتیجه آن‌ها عاید خود او می‌گردد تا با دلگرمی به تلاش و فعالیت بپردازد؛ چراکه اگر انسان، مطلوب‌نهایی داشته باشد، ولی گمان کند که کارها و تلاش‌هایش بی‌اثرند و یا نفع آن‌ها عاید دیگران می‌شود و به هر حال در نزدیک شدن وی به مطلوب‌نهایش مفید نیستند، در این صورت انگیزه کار و کوشش در وی ضعیف خواهد شد. دومین نکته این‌که کامیابی و رستگاری انسان، بدون تلاش اختیاری، تحقق‌پذیر نیست و انسان تنها با سعی و تلاش خویش می‌تواند به مطلوب‌نهایی خود برسد و دیگران نمی‌توانند سرنوشت او را تغییر دهند. از نوع بیان خداوند نیز به خوبی پیداست که انسان را با بیان بازگشت هرگونه نتیجه اعمال به خودش، مخیر گذاشته است.

در حقیقت، این آیه در مقام تبیین فرجام یا تأثیر بازتاب اعمال و رفتار انسان نیز هست و بیان‌کننده این حقیقت است که «ای انسان آگاه باش که هیچ چیزی از نظام عالم در نزد خداوند متعال، گم و مفقود نمی‌شود و سعادت و شقاوت انسان در گرو اعمال خود انسان است». این اثر عمل نیز ممکن است هم دنیوی باشد و هم اخروی. صاحب تفسیر المیزان

می‌گوید: «اثر دنیوی اعمال، ممکن است تحت مشیت خدا به غیر، تعلق پذیرد؛ اما خود فاعل اثر فعلش دائماً و بدون هیچ تخلّفی به خودش برمی‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۵۴).

بیان گزاره اخلاقی آزادی و اختیار در انسان نیز از دیگر نکاتی است که ذیل این آیه شریف مطرح است؛ با این توضیح که انسان در انجام اعمال خود با توجه به این‌که به دست خود سعادت و شقاوت خود را رقم خواهد زد، کاملاً آزاد و مختار است. چنان‌که در جای دیگر، آگاهی می‌دهد که جزای هر چیزی، از جنس همان چیز است و هر کسی نتیجه چیزی را که انجام داده، خواهد دید.

ب. ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ (اسراء / ۱۱).

آیه فوق در مقام اشاره به اصل عجله و شتابزدگی در انسان و اثر آن در خیرات و شرور، تأکید بر خیرگرایی فطری انسان، اشاره به نقش علم و آگاهی، ایمان، امید و رجاء در ایجاد طمأنینه است.

«عجله» حالتی است در دل که به مجرد خطور امر در ذهن، انسان بی‌درنگ و بدون تأمل درباره آن، اقدام کند. این حالت، از لوازم ضعف نفس و از دام‌های بزرگ شیطان است. در کتب اخلاقی برای توصیف مفهوم اخلاقی عجله و شرخواهی انسان، به طلب اشتباهی که او در استیلا بر دیگر موجودات دارد، مثال زده شده که نوع انسان به دلیل عجله‌ای که در این امر از خود نشان می‌دهد، ریاست این دنیای زودگذر را به سلطنت ابدی ترجیح می‌دهد (نراقی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۲).

نکته دیگر تأکید بر خیرگرایی فطری انسان است. تشبیه شرخواهی انسان به خیرخواهی او، نشانه آن است که انسان در اصل و فطرتاً خیرگرا می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). همچنان که در سوره انبیاء نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾ (انبیاء / ۷۳).

همچنین ارتباط ظریفی میان هدایت‌گری قرآن و صفت عجله در انسان وجود دارد. خداوند در آیه ۹ از هدایت‌گری قرآن برای کسانی که به علم و حکمت و عمل صالح

آراسته‌اند، سخن گفته است؛ و در مقابل، بلافاصله از عجله که از آفات فکر و عمل است، سخن می‌گوید. این آیه ما را به این مساله می‌رساند که آنان که به هدایت استوار قرآن راه نیابند، شتابزده به سراغ شر خواهند رفت.

توجه به نقش علم و آگاهی، ایمان و امید و رجاء در ایجاد طمأنینه، از دیگر گزاره‌های اخلاقی قابل برداشت از این آیه است. اعمال انسان می‌بایست با علم و آگاهی و بصیرت و بینایی و تفکر همراه باشد تا سبب خسران نگردد؛ چراکه صفت مقابل عجله، اطمینان نفس و تأمل در گفتار و کردار است که پیش از اقدام به امری، آن را «توقف و تأمل» و پس از آن را «تأنی و انانت» نامند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْأَنْتَانَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ [همانا درنگ از سوی خدا و عجله از شیطان است] (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۱۶۹).

پیام اخلاقی مهم دیگر در آیه، امیدواری به رحمت خداوند است که در اصطلاحات اخلاقی به آن «رجاء» گفته می‌شود و نقطه مقابل «یأس» است که زمینه کفر می‌باشد. لزوم اهمیت صفت رجاء، تا جایی است که انسان با عبور از مرحله رجاء، به مرحله طمأنینه می‌رسد که در همین آیه به آن پرداخته شده است (نراقی، ۱۳۶۶، صص ۳۲۱-۳۱۹).

ج) «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء / ۱۵).

این آیه شریف در ادامه بیان مفهوم بازتاب اعمال در آیات قبل است که اصل اختیار انسان در انتخاب راه هدایت و ضلالت و اصل پذیرش هدایت انبیا برای بازخواست انسان در قیامت و آثار افعال انسان را بیان می‌کند. در حقیقت، بر اساس این اصل که «عمل هر کس ملازم اوست» - که از این آیه برداشت می‌شود - چنین نتیجه می‌گیریم که هر کس هدایت شود، به سود خود و هر کس گمراه شود، به ضرر خود عمل کرده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد.

یکی دیگر از واقعیت‌های برآمده از آیه، این است که رابطه اعمال انسان با جزای الهی همچون رابطه قراردادی نیست که شبیه آن در مورد قوانین دنیا و پاداش و کیفر آن وجود دارد. به نظر می‌رسد این ارتباط، به یک نوع رابطه تکوینی، شبیه‌تر است تا تشریعی و قراردادی؛ و بدین سان با داشتن کیفرها بازتاب طبیعی و تکوینی اعمال انسان است که دامن آن‌ها را می‌گیرد.

گزاره اخلاقی دیگر، همسان بودن میزان هدایت و ضلالت با میزان علم و عمل است. هدایت در اصطلاح، برخورداری موجود از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن کمال برسد و برای این‌که هدایت باری تعالی شامل حال انسان شود و آدمی مشمول رحمت حق گردد، لازم است خود را با شرایط «هدایت» منطبق کند و مقدمات آن را در وجود خود ایجاد نماید تا بتواند از لطف الهی بهره‌مند گردد (فلسفی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۷). از این رو نقش اختیار در هدایت و ضلالت انسان، کاملاً مشهود است. قرآن شریف در این باره فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت/۶۹)؛ [و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است].

در ادامه برای رعایت اختصار و پرهیز از اطاله کلام، جدول تحلیل محتوای آیات سوره اسراء به همراه گزاره‌های اخلاقی استخراج شده از آن، درج شده است.

جدول تحلیل محتوای سوره اسراء

جدول ۱: تحلیل محتوای گزاره‌های اخلاقی سوره اسراء

ردیف	شماره آیه	گزاره اخلاقی برداشت‌شده	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	نقش هدایتی
۱	۷	تأثیر تلاش انسان در وصول به اهداف	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۲		تأکید بر احسان	جمعی	اجتماعی	الزامات
۳		تبیین آزادی و اختیار انسان	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۴	۱۱	عجله و شتابزدگی	فردی	رذیلت	موانع

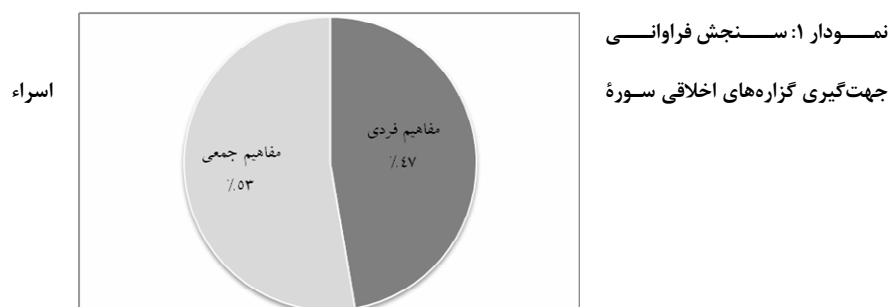
۵	تأکید بر خیرگرایی فطری انسان	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۶	عجله، مانع تأثیر هدایت‌گری قرآن	فردی	رذیلت	موانع
۷	نقش علم و آگاهی در ایجاد طمأنینه	فردی	فضیلت	مقدمات
۸	نقش ایمان در ایجاد طمأنینه	فردی	فضیلت	مقدمات
۹	نقش امید و رجاء در ایجاد طمأنینه	جمعی	فضیلت	مقدمات
۱۰	رابطه هدایت و ضلالت با عمل انسان	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۱۱	بازتاب طبیعی و تکوینی اعمال انسان	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۱۲	همسان بودن میزان هدایت و ضلالت با میزان علم و عمل	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۱۳	نقش اختیار در هدایت و ضلالت انسان	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۱۴	توحید اصلی‌ترین راه تهذیب نفس	فردی	فضیلت	الزامات
۱۵	اخلاص در توحید و عبادت	فردی	فضیلت	الزامات
۱۶	عبادت وسیله تحصیل یقین	فردی	فضیلت	مقدمات
۱۷	احسان به والدین	جمعی	اجتماعی	الزامات
۱۸	عدم احسان به والدین در شرایط انحراف از توحید	جمعی	فرهنگی	موانع
۱۹	لزوم اخلاص در عمل	فردی	فضیلت	الزامات
۲۰	تواضع در مقابل والدین	جمعی	فرهنگی	الزامات
۲۱	طلب رحمت و مغفرت برای والدین	جمعی	فرهنگی	الزامات
۲۲	دعای نیک برای والدین	جمعی	فرهنگی	الزامات
۲۳	اهمیت و نقش دعا در تکامل انسان	فردی	فضیلت	مقدمات
۲۴	رعایت اولویت در روابط اجتماعی	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۲۵	تأکید بر انفاق	جمعی	اقتصادی	الزامات
۲۶	رعایت اعتدال در انفاق	جمعی	اقتصادی	الزامات
۲۷	نهی از تبذیر و اسراف	جمعی	اقتصادی	موانع
۲۸	اسراف نشانه کفران و ناسپاسی	جمعی	اقتصادی	موانع
۲۹	لزوم احترام به حقوق مردم	جمعی	اجتماعی	الزامات
۳۰	نقش گفتار و کلام نیکو در ایجاد امیدواری و وسعت روزی	جمعی	فرهنگی	مقدمات
۳۱	لزوم امیدواری به رحمت خداوند	فردی	فضیلت	الزامات
۳۲	لزوم همراهی اصل تلاش و امید	فردی	فضیلت	الزامات
۳۳	نقش تمثیلات در تفهیم مطالب اخلاقی	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۳۴	نهی از افراط و تفریط	جمعی	فرهنگی	موانع
۳۵	تأکید بر جود و سخاوت	جمعی	اقتصادی	الزامات

۳۶	لزوم آینده‌نگری در زندگی	جمعی	فرهنگی	الزامات
۳۷	حق حیات برای همگان	جمعی	سیاسی	اصول و مبانی
۳۸	لزوم ایمان به خالقیت خداوند	فردی	فضیلت	الزامات
۳۹	لزوم ایمان به رزاقیت خداوند	فردی	فضیلت	الزامات
۴۰	لزوم پرهیز از تعصبات جاهلی	جمعی	فرهنگی	موانع
۴۱	لزوم ترس از عذاب الاهی	فردی	فضیلت	الزامات
۴۲	لزوم اجتناب از زمینه‌های ابتلا به فحشا	جمعی	فرهنگی	موانع
۴۳	نقش ایمان در عدم ارتکاب معاصی	فردی	فضیلت	مقدمات
۴۴	تبیین پیامدهای سوء اعمال ناپسند	فردی	ردیلت	اصول و مبانی
۴۵	احترام جان و مال عموم مردم	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۴۶	احترام جان و مال مسلمانان	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۴۷	قصاص موجب حفظ حیات اجتماعی	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۴۸	لزوم رعایت عدالت در قصاص	جمعی	اجتماعی	الزامات
۴۹	حرمت خودکشی	فردی	ردیلت	موانع
۵۰	نهی از تصرف بی‌جا در اموال یتیمان	جمعی	اقتصادی	موانع
۵۱	توجه به بلوغ فکری در مسأله مالکیت	جمعی	اقتصادی	اصول و مبانی
۵۲	توجه به حقوق متولیان و سرپرستان	جمعی	اقتصادی	اصول و مبانی
۵۳	تأثیر اعمال نیک و بد در ذریه انسان	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۵۴	مسأله تجسم اعمال	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۵۵	لزوم وفای به عهد و پیمان	جمعی	فرهنگی	الزامات
۵۶	پرهیز از کم‌فروشی	جمعی	اقتصادی	موانع
۵۷	تأکید بر عدالت	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۵۸	لزوم حسن فعلی و فاعلی در تحقق عدالت	جمعی	اجتماعی	الزامات
۵۹	توحید و عدالت، اساس دستورات اخلاقی	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۶۰	کم‌فروشی عامل اختلال در نظم و امنیت	جمعی	اقتصادی	موانع
۶۱	اهمیت علم و دانش و بصیرت	جمعی	فرهنگی	مقدمات
۶۲	تأکید بر علم مفید و نافع	جمعی	فرهنگی	الزامات
۶۳	لزوم پیروی از علم و یقین و پرهیز از ظن و گمان	جمعی	فرهنگی	الزامات
۶۴	لزوم به کارگیری امکانات در مسیر صحیح	جمعی	اجتماعی	الزامات
۶۵	اثبات ادراک حضوری یا قلب	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۶۶	تکبر ورزیدن	فردی	ردیلت	موانع

۶۷	تکبر سر چشمه اخلاق ناپسند	جمعی	اجتماعی	موانع
۶۸	توجه به ضعف‌های انسان راه مقابله با تکبر	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۶۹	اهمیت نعمت سخن گفتن و بیان	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۷۰	نقش سخن نیکو در زدودن وسوسه‌های شیطانی	جمعی	فرهنگی	مقدمات
۷۱	پرهیز از القای دشمنی میان مردم	جمعی	اجتماعی	موانع
۷۲	رعایت ادب در کلام الهی	جمعی	فرهنگی	الزامات
۷۳	خوش رفتاری لازمه عبودیت	جمعی	اجتماعی	الزامات
۷۴	خوش رفتاری موجب تألیف قلوب	جمعی	اجتماعی	الزامات
۷۵	عدم سلطه شیطان بر بندگان مخلص	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۷۶	لزوم توکل به خداوند	جمعی	فرهنگی	الزامات
۷۷	توکل از جلوه‌های عبودیت در برابر خداوند	جمعی	فرهنگی	الزامات
۷۸	عدم بصیرت در دنیا سبب گمراهی در آخرت	جمعی	فرهنگی	موانع
۷۹	کسب ایمان و معرفت با قلوب	فردی	فضیلت	اصول و مبانی
۸۰	عدم بصیرت، نتیجه ترک واجبات و انجام محرمات	جمعی	فرهنگی	موانع
۸۱	شخصیت اخروی، بازتابی از شخصیت دنیوی انسان	جمعی	فرهنگی	اصول و مبانی
۸۲	تأکید بر اهمیت بصیرت	جمعی	فرهنگی	الزامات
۸۳	نقش عبودیت در کمال انسان	فردی	فضیلت	مقدمات
۸۴	نقش برنامه‌های اخلاقی در هدایت جامعه	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۸۵	تأثیر نماز شب در تعالی روح انسان	فردی	فضیلت	الزامات
۸۶	لزوم تلاش برای دستیابی به مقام محمود	فردی	فضیلت	الزامات
۸۷	نقش صداقت در کسب کمالات	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۸۸	نقش صداقت در پیروزی انبیا و اولیای الهی	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۸۹	لزوم صداقت در گفتار و رفتار	جمعی	اجتماعی	الزامات
۹۰	لزوم صداقت در عمل	جمعی	اجتماعی	الزامات
۹۱	صداقت، مبنای اخلاقی نیک	جمعی	اجتماعی	اصول و مبانی
۹۲	نقش راهنما و بصیرت در سعادت انسان	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۹۳	تکبر در برابر خداوند	فردی	رذیلت	موانع
۹۴	تکبر در برابر مخلوقات خداوند	جمعی	فرهنگی	موانع
۹۵	کوچک شمردن نعمت‌های الهی	فردی	رذیلت	موانع
۹۶	عدم تأثیر معنوی قرآن در متکبران	فردی	رذیلت	موانع
۹۷	غرور و یأس دو بیماری خطرناک اخلاقی	جمعی	فرهنگی	موانع

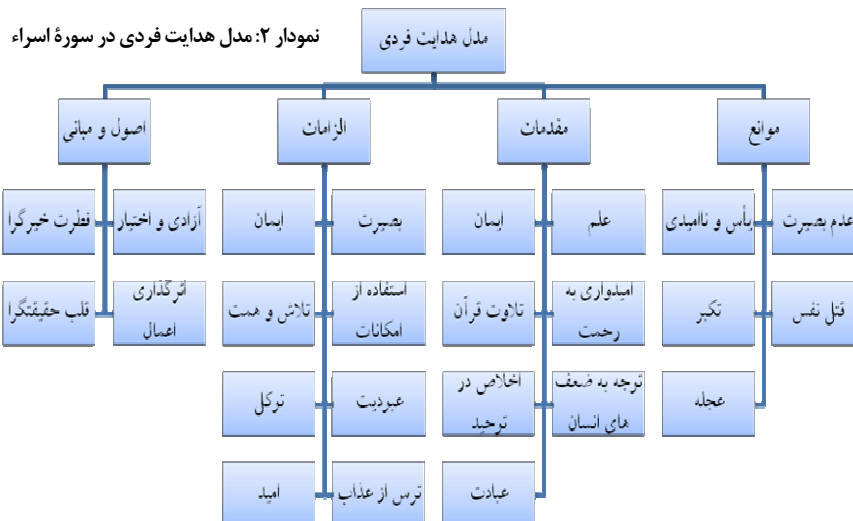
۹۸	لزوم تعالی علم و آگاهی در پرتو ایمان و تقوا برای مبارزه با تکبر	جمعی	فرهنگی	الزامات
۹۹	تأکید بر توحید افعالی	فردی	فضیلت	مقدمات
۱۰۰	تأکید بر انفاق	جمعی	اقتصادی	الزامات
۱۰۱	انفاق بهترین وسیله برای حفظ مال	جمعی	اقتصادی	الزامات
۱۰۲	بخل ثمر محبت به دنیا	جمعی	اقتصادی	موانع
۱۰۳	لزوم به کارگیری صحیح استعدادها و امکانات الهی	جمعی	اجتماعی	الزامات
۱۰۴	لزوم توجه به رحمت بی‌پایان خداوند برای مبارزه با بخل	جمعی	اقتصادی	الزامات
۱۰۵	علم و دانایی، ریشه ایمان به خدا	فردی	فضیلت	مقدمات
۱۰۶	خشیت از آثار ایمان به خدا	فردی	فضیلت	آثار
۱۰۷	تأثیر تکرار کلام و رفتار خوبان در تربیت دیگران	جمعی	اجتماعی	مقدمات
۱۰۸	لزوم خشیت دائمی برای مؤمنان راستین	جمعی	فرهنگی	الزامات
۱۰۹	تأثیر تلاوت قرآن در افزایش ایمان و خشیت	فردی	فضیلت	مقدمات
۱۱۰	لزوم عبادت خداوند بر اساس روش صحیح	فردی	فضیلت	الزامات
۱۱۱	رعایت تعادل و آرامش در عبادات	فردی	فضیلت	الزامات

در تحلیل گزاره‌های اخلاقی آیات سوره اسراء، ۱۱۰ گزاره اخلاقی استخراج گردید که پس از درج در جدول تحلیل محتوا، جهت‌گیری، نقطه تمرکز و نقش هدایتی آن‌ها نیز استخراج شد. سنجش فراوانی جهت‌گیری‌های فردی و جمعی نشان می‌دهد که این سوره به هر دو بُعد اخلاق فردی و جمعی نظر دارد. نمودار ذیل نشان می‌دهد که گزاره‌های اخلاقی آیات این سوره به گونه‌ای تنظیم و پشت سر هم چیده شده‌اند که هم برای هدایت افراد کارایی داشته باشند و هم موجبات هدایت جامعه انسانی را فراهم کنند.



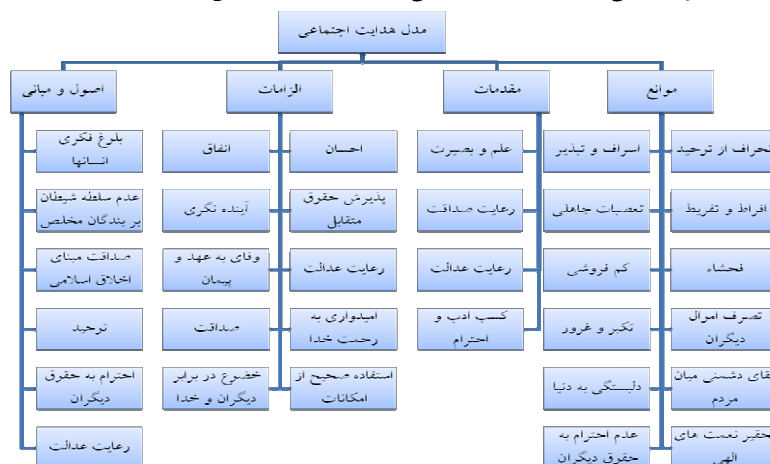
نظام ساختاری هدایت در سور اسراء

هر یک از گزاره‌های اخلاقی سورة اسراء، را در تبیین نظام اخلاق اسلامی نقشی بر عهده دارند که می‌توان آن‌ها را بر مبنای جدول تحلیل محتوا به ابعاد چهارگانه «اصول و مبانی»، «الزامات»، «مقدمات» و «موانع» تقسیم کرد. این مطلب نیز نشان می‌دهد که مجموع این گزاره‌های اخلاقی در صدد هستند تا با کمک هم، یک نظام اخلاقی را تبیین و نهادینه کرده، آن را در فرهنگ و مکتب جامعه بشری تسری دهند. گزاره‌های اخلاقی این سوره به خوبی هر چهار مؤلفه یاد شده را در دو حوزه هدایت فردی و اجتماعی تحت پوشش قرار داده‌اند و در نهایت، مدل کلی هدایت را تبیین می‌کنند. این مدل هدایتی، به تفکیک و در دسته‌بندی چهارگانه (اصول و مبانی، الزامات، مقدمات، و موانع) بررسی می‌شود. این نمودار، بیانگر آن است که چگونه گزاره‌های اخلاقی این سوره در هدایت فردی تک تک انسان‌ها نقش دارند و هر کدام چه جایگاهی را بر عهده دارند.



در نمودار صفحه قبل می‌بینیم که مواردی همچون ایمان، امیدوار بودن به رحمت خدا و عبادت، هم در مقوله الزامات و هم در مقوله مقدمات تکرار شده است. این تکرار به این معنا نیست که یک مضمون اخلاقی، در دو حوزه متفاوت جای داده شده، بلکه این مطلب تنها همسانی در الفاظ می‌باشد. به عبارت دیگر، مضامین برداشت‌شده با یکدیگر متفاوتند، اما در مرحله ترسیم نمودار و مدل، از آن جهت که به دنبال استفاده از عناوینی کلی و جامع بوده‌ایم، در نتیجه عنوانی کلی به کار رفته است.

این مطلب، خود بیانگر نکته مهم دیگری نیز هست؛ و آن اینکه برای حرکت در مسیر هدایت و دستیابی به سعادت، در ابتدای کار لازم است که فرد اخلاص داشته یا به رحمت خداوند امیدوار باشد، اما باید هوشیار باشد که در تمام طول مسیر نیز توجه به این موارد، لازم و ضروری است و یک انسان طالب حقیقت و هدایت نباید لحظه‌ای ایمان خود را از دست بدهد و یا از رحمت خداوند ناامید شود و ترک عبادت و اخلاص نماید. در تمام طول مسیر هدایت نیز دائماً باید تلاش شود که بر علم و بصیرت افراد جامعه بشری افزوده شود؛ چراکه به هر میزان علم و بصیرت افراد افزایش یابد، میزان اعتقاد و ایمان ایشان به خداوند و جهان هستی نیز افزایش می‌یابد و بر سرعت آنان در مسیر هدایت افزوده می‌شود. در ادامه می‌توان شبیه همین مدل را در بُعد هدایت



اجتماعی نیز مشاهده نمود:

نمودار ۳: مدل هدایت اجتماعی در سورة اسراء

داشتن باورها و اعتقادات مشخص، نخستین اصل برای فعالیت هر انسان و جامعه‌ای است و تعیین‌کننده جهت حرکت آن‌ها می‌باشد؛ و توجه مستمر به آن، عدم انحراف از مسیر و برنامه تعیین‌شده را ضمانت می‌کند. این باورها و اعتقادات که در حقیقت همان اصول و مبانی هستند، موجب هماهنگی نیروها و انسجام تلاش‌ها و هم‌افزایی میان عناصر و مؤلفه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد. اجتماعی زیستن ناگزیر وظایف و مسئولیت‌هایی را بر انسان‌ها بار می‌کند که همه افراد باید تکالیف خویش را در برابر دیگران بشناسند و به آن‌ها عمل کنند.

در نمودار فوق نیز مشاهده می‌شود مواردی در الزامات هدایت اجتماعی ثبت شده‌اند که در نمودار هدایت فردی نیز در ستون الزامات معرفی شده بودند. این امر، بیانگر دو نکته مهم است:

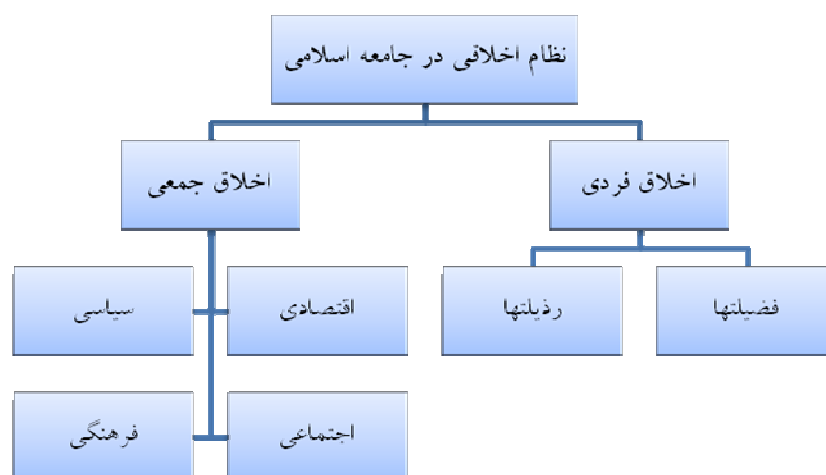
اول این‌که برخی موارد مانند امیدواری به رحمت خداوند و استفاده صحیح از امکانات و استعدادها، آن قدر اهمیت دارد که هم تک تک افراد جامعه و هم کلیت یک جامعه انسانی می‌بایست برای دستیابی به هدایت و سعادت، این موارد را لحاظ کرده و بدان‌ها توجه کند.

نکته دیگر، این‌که این موارد در حوزه فردی و اجتماعی معانی مختلفی دارند. مثلاً امیدواری به رحمت خداوند در یک اجتماع انسانی بدین معناست که کلیت جامعه انسانی می‌بایست با شور و نشاط و انگیزه، به کار و تلاش و کوشش پردازد و به دلیل وجود مشکلات اقتصادی یا سیاسی و غیر این‌ها، روحیه خود را از دست ندهد و همواره به رحمت خداوند برای حل همه مشکلات اجتماعی امید داشته باشد. چنین امیدی است که می‌تواند زمینه‌های رشد و ترقی و تکامل جامعه و در نهایت، هدایت آنان را فراهم کند؛ البته به این شرط که دیگر موارد الزامات همچون توجه به حقوق دیگران، صداقت، عدالت، احسان، انفاق و مواردی از این دست نیز رعایت شود.

به عبارت دیگر، باید گفت که تمامی آنچه در این نمودار درج شده، ابعادی اجتماعی دارند؛ بدین معنا که منظور از توحید در این بخش، حکومت و حاکمیت اهل حق بر جوامع بشری است. اگر جامعه‌ای قصد داشته باشد که به سمت هدایت و سعادت حرکت کند، نخستین اصل اساسی‌ای که می‌بایست رعایت کند، این است که توحید و خداپرستی را در جامعه حاکم سازد. عدم سلطه شیطان نیز تعبیر دیگری از عدم سلطه استکبار و مستکبران عالم بر بندگان حقیقت‌جو و هدایت‌طلب است. به عبارت دیگر، یک جامعه اسلامی بر اساس قاعده نفی سبیل، نباید به بیگانگان اجازه دهد که مستکبران و ابرقدرت‌ها بر آن جامعه استیلا داشته باشند و یا بر افکار و اذهان آن‌ها تأثیر بگذارند.

مواردی مانند عدالت، صداقت و تحصیل علم و آگاهی و بصیرت نیز هم در الزامات و هم در مقدمات فردی و اجتماعی هدایت ذکر شده‌اند که نشان می‌دهد این موارد می‌بایست هم در ابتدا و برای تعیین مسیر، و هم در طول مسیر، رعایت شوند و نباید لحظه‌ای از توجه بدان‌ها غافل شد.

در نهایت، می‌توان این مدل را به عنوان یک نظام اخلاقی در جامعه اسلامی معرفی نمود که گزاره‌های جزئی آن در این مقاله تشریح شده است.



نمودار ۴: مدل نظام اخلاقی در جامعه اسلامی

نتیجه گیری

آیات قرآن بیانگر آن است که منشأ الزامات اخلاقی، وحی و اراده تشریعی خداوند است؛ زیرا خداوند متعال، نه تنها خالق جهان هستی است، بلکه به تنهایی و بی هیچ شریکی، جهان را تدبیر می کند و اوست که قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را نیز جعل و اعتبار می نماید. این جعل و اعتبار نیز هرگز گزاف و بیهوده نبوده است، بلکه بر اساس واقعیات جهان هستی و نیز با رعایت مصالح و مفاسد نفس الامری وضع شده اند. در اوامر حکیمانه الهی، نفع غایی بشر مورد نظر بوده است و هر امری هم که از جانب خداوند حکیم رسیده، به قصد پیشگیری و دفع مفاسدی است که ممکن است گریبانگیر آدمی شود. از طرف دیگر، این مطلب بدان معنا نیست که در اسلام، حکم عقل نادیده انگاشته شده و یا به احکام و دستورات وجدان، توجه نشده است، بلکه عالمان اسلامی بر اساس قاعده «کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل؛ و کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع»، احکام قطعی عقل را حجت دانسته اند و به مطابقت ادراکات عقلی با قوانین شرعی اعتقاد دارند. بر همین اساس، وحی گاهی از راه تأیید و تأکید و گاهی از طریق وعده و وعید، نقش همکاری و همراهی عقل را بر عهده می گیرد.

بررسی اولیه گزاره های اخلاقی سورة اسراء بیانگر این نکته است که اولاً این گزاره ها و مفاهیم، در دو حوزه فردی و جمعی همگام با هم پیش رفته است؛ و ثانیاً تلاش دارند تا با کمک هم یک نظام اخلاقی را تبیین و نهادینه کنند. بنابراین هر کدام دارای جایگاه خاصی در چهارچوب هدایتی افراد و جامعه بشری است و به صورت یک مدل لایه ای و حلقه ای یکدیگر را تکمیل و تأیید می کنند.

به همین منظور، در چهار زمینه «اصول و مبانی»، «الزامات»، «مقدمات» و «موانع» مفاهیمی بیان شده است که تجزیه و تحلیل آنها به این مطلب می رسد که میان آیات این سوره و مفاهیم اخلاقی طرح شده در آنها، انسجامی بسیار دقیق و عمیق برقرار است که بر مبنای وحدت موضوعی، به دنبال بیان مدل هدایت اجتماعی و فردی است.

نتایج حاصل از جداول تحلیل محتوا و نمودارهای ترسیم‌شده نشان می‌دهد که خداوند متعال برای هدایت هر کدام از افراد جوامع انسانی و همچنین کلیت جوامع، دستورالعملی اخلاقی و خاص، وضع کرده است. نهایت این که از نگاه قرآن، اخلاق اسلامی دارای شاکله خاصی است و در دو حوزه فردی و اجتماعی، قواعدی را بیان کرده است.

پیشنهادهای

در پایان برای آن که نقشه راهی برای علاقه‌مندان به تحقیق و پژوهش در حوزه علوم دینی، اخلاق، جامعه‌شناسی، فرهنگ، و ارتباطات و مدیریت ترسیم شده باشد، مؤلفان مقاله پیشنهادهایی دارند که امید است در آینده‌ای نزدیک با تکمیل این جریان، در زمینه تبیین نظام اخلاقی مبتنی بر قرآن در سطح فردی و جمعی در جوامع اسلامی، گام مهمی برداشته شود؛ از جمله این پیشنهادها این موارد است:

تحلیل محتوای دیگر سور قرآن و استخراج مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی آنها؛
تحلیل محتوای احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام و استخراج مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی آنها؛
تحلیل گفتمان روایات منقول از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم برای استخراج نظام هدایتی جامعه عصر نبوی؛

مطالعه تطبیقی نتایج حاصل از پژوهش‌های فوق با نظام‌های اخلاقی دیگر ادیان الهی؛
مطالعه تطبیقی نتایج حاصل از پژوهش‌های فوق با نظام اخلاقی حاکم بر جامعه ایران.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۸۷)، معجم مقائیس اللغة، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر.
۴. ابن مسکویه، ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار.
۵. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۳۸۷)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت.
۷. حنبل، احمد (۱۹۹۳م)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار احیا التراث العربی.
۸. دراز، عبدالله (۱۴۰۸ق)، دستور الاخلاق فی القرآن الکریم، ترجمه عبدالصبور شاهین، بیروت، دارالبحوث العلمیة.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم.
۱۰. شریفی، عنایت الله (۱۳۸۹)، «کارکردهای دین در اخلاق»، فصلنامه قبسات، تهران، انتشارات راه دین، شماره ۵۶.
۱۱. شیرازی، صدرالدین محمد (بی تا)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، قم، چاپ مصطفوی.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴)، **اخلاق ناصری**، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
۱۵. عبدالکریم، عثمان (۱۳۶۵)، **روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی**، ترجمه دکتر محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
۱۶. غزالی، ابوحامد (۱۳۵۱)، **احیاء علوم الدین**، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. فتحعلی‌خانی، محمد (۱۳۷۴)، **آموزه‌های بنیادین علم اخلاق**، تهران، انتشارات کوثر.
۱۸. فلسفی، محمد (۱۳۸۲)، **شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق**، قم، انتشارات دارالثقلین.
۱۹. فیض کاشانی، ملامحسن (بی تا)، **محجة البیضا**، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران، بنیاد بعثت.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق)، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دارالشروق.
۲۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. کیوی، ریمون، و لوک وان کامپنهود (۱۳۸۱)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا، چاپ ششم.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳)، **اخلاق در قرآن**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **فلسفه اخلاق**، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، قم، انتشارات دارالعلم.

۲۹. ندیم الجسر (۲۰۰۴م)، القرآن فی تربیت الاسلامی، قاهره، مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۰. نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۶)، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، تهران، انتشارات حکمت.
۳۱. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۲)، معراج السعاده، تهران، انتشارات دهقان.
۳۲. وارنوک، جفری جیمز (۱۳۶۸)، فلسفه اخلاق در عصر حاضر، ترجمه و تعلیق صادق لاریجانی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۳۳. هولمز، رابرت (۱۳۸۵)، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس.